

بسم الله الذي لا ارجو الا فضله  
و لا اخشى الا عدله و لا اعتمد الا قوله  
و لا امسك الا بحبله

الهي!

«معنى» رساست و وراى اين الفاظ نارواست؛ ما را به الفاظ نارواى ما مگير.

الهي!

اصطلاحات انباشته را دانش پنداشته‌ايم؛ يا «نور السموات و الأرض»!  
قلب ما را مورد مشيت «العلم نور يقذفه الله فى قلب من يشاء» قرارده.

الهي!

به «حقيقت» خودت «مجاز» ما را تبديل به «حقيقت» بفرما.

الهي!

...

(الهي نامه آيت الله حسن زاده آملی)

مركز اطلاعات و اسناد  
توسعه فرهنگ

۱۳۸۶ / ۱۱ / ۲۸

۹۴۷۵۱



مجتمع هنر و معماری  
دانشکده معماری و شهرسازی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

## تأملي بر مقام حقيقي «حياط» در معماری

اساتيد راهنما:

دکتر کاظم مندکاری  
مهندس نريمان فرح زاء

استاد مشاور:

دکتر هادی ندیمی

تحقیق و نگارش:

سیده صنعتی

زمستان ۱۳۸۵

۹۴۷۰۱



«آغازنامه»ی راه بی پایان  
«حقیقت جویی»

---

تأملی بر مقام حقیقی «حیات» در معماری

---

اساتید راهنما: دکتر کاظم مندگاری  
مهندس نریمان فرح زار

استاد مشاور: دکتر هادی ندیمی

تحقیق و نگارش: سیده صنعتی

زمستان یک هزار و سیصد و هشتاد و پنج

سید شهیدان اهل قلم (ره):

«هنر»  
تجلی آن حقیقتی است که  
«حیات» انسان در آن  
کمال می‌یابد.

\* \* \*

این وجیزه را قابل تقدیم نمودن به کسی نمی‌دانم،  
اما «حاکم رد و قبول»، «او»ست.  
این اندک را که حاصل بهار جوانی این کمترین است،  
اول، به «او»

(که بهانه حقیقی اوست و خود همراه و یار اصلی تحقیق بوده است)

دوم، به آن «یار» غایب از نظر  
(که عین حیات و سبب اتصال زمین و آسمان است)

و سوم، به «سید شهیدان اهل قلم»  
(که حیات را برایم معنا نمود) تقدیم می‌کنم؛

امید دارم که مقبول افتد ...

### سپاس از اساتید گرانقدر

قبل از هر چیز، خدای را بر توفیقی که در این راه عطا فرمود - با زبانی که از شکر «او» قاصر است - سپاس می‌گویم. اما ناگفته نماند که نیل به این اندک، بدون ارشادات بی‌بدیل و نفس گرم جناب آقای دکتر هادی ندیمی، و بی‌رهنمودهای ارزشمند اساتید گرانقدر: جناب آقای دکتر کاظم مندگاری و پیشستیانی و تشویق آقای مهندس نریمان فرح‌زاد ممکن نمی‌گردید، که جا دارد در همین سرآغاز از رهنمودها و زحمات بیدریغ ایشان کمال سپاسگزاری و امتنان را داشته باشم.

.. بر خود واجب می‌دانم که از اساتید خاموش نیز قدردانی کنم؛

استاد خاموش معماری سنتی و مکان خانه رسولیان،

مقام گشایش صبح و زمان تولد روز که حظ معنوی عمیقی از موضوع در جان محقق نشانده‌اند.

« و وصینا الإنسان بوالديه ... »

أَن اشکر لی و لوالدیک إلی المصیر»

### سپاس از مادر و پدر مهربانم

که هرچه دارم، تماماً از برکت دعای خیر ایشان است؛

امید دارم قدردان زحمات بی چشم داشت ایشان باشم.

اللهم:

« ربنا هب لنا من أزواجنا و ذریاتنا قرۃ أعین

واجعلنا للمتقین إماماً »

### سپاس از همسر

که صبورانه در این راه طولانی، مرا همراهی کرد

و سختی این همراهی را بر خویشتن هموار نمود.

فهرست مطالب:

|  |            |
|--|------------|
| چکیده  |            |
| پیشگفتار   |            |
| مقدمه  | ۱          |
| <b>فصل اول: صنع الهی و معماری آفرینش در حیاط</b> | <b>۱۲</b>  |
| ۱- شناخت معماری آفرینش                           | ۱۵         |
| ۲- رویکرد حقیقی انسان به معماری آفرینش           | ۳۶         |
| ۳- حیاط، مکان معماری آفرینش                      | ۴۴         |
| <b>فصل دوم: حیاط، تقدیر نساخته‌ها در معماری</b>  | <b>۴۸</b>  |
| ۱- مبانی شکل و زمینه؛ ایجاد فضای خالی            | ۵۱         |
| ۲- رویکرد هنر اسلامی به فضای خالی                | ۵۳         |
| ۳- رابطه فضای پر و خالی                          | ۵۹         |
| ۴- حیاط، فضای خالی در معماری                     | ۶۲         |
| <b>فصل سوم: تکوین حیاط در معماری</b>             | <b>۷۳</b>  |
| ۱- تولد مفهوم حیاط در معماری                     | ۷۵         |
| ۲- تحقق کامل حیاط در معماری خانه                 | ۷۹         |
| ۳- وجوه هندسی حیاط در تعیین معمارانه             | ۸۷         |
| <b>فصل چهارم: اطوار حیاط در معماری خانه سنتی</b> | <b>۱۰۳</b> |
| ۱- حیاط در زمین با طبایع مختلف                   | ۱۰۵        |
| ۲- مناظره مفهوم حیاط، باغ، فضای سبز              | ۱۱۰        |
| ۳- اطوار رابطه فرمی حیاط با ساختمان              | ۱۱۴        |
| ۴- انواع حیاط مرکزی در خانه‌ها                   | ۱۲۱        |
| ۵- هندسه عناصر طبیعی در حیاط                     | ۱۳۶        |
| <b>فصل پنجم: نظام تعیین و تحقق حیاط</b>          | <b>۱۴۵</b> |
| ۱- تقدیر و تعیین فضاهای بسته با حیاط             | ۱۴۸        |
| ۲- انتظام فضاهای معماری با حیاط                  | ۱۷۱        |
| ۳- اقبال ساختمان به حیاط                         | ۱۷۹        |
| ۴- استقرار حیاط در زمین                          | ۱۹۱        |
| ۵- حصار و عناصر محاطی درون حیاط                  | ۲۰۷        |
| مؤخره  | ۲۱۱        |
| ضمائم  | ۲۲۲        |
| منابع و مأخذ                                     | ۲۳۴        |

## چکیده:

اگر بخواهیم به جوهره معماری سنتی ایران (خصوصاً در فلات مرکزی و حاشیه کویر) اشاره کنیم، به جرأت می‌توان از حضور بی‌بدیل «حیاط» در این معماری نام برد. ویژگی متمایز این معماری، در استقرار حیاط در مرکز بنا، تجلی نموده است. لذا اگرچه حیاط همواره در معماری مناطق مختلف و دوره‌های گوناگون با حالات، اشکال و ماهیات متفاوت حضور داشته است، لیکن ارزش برتر حیاط در معماری اسلامی، یکی از شاخص‌ترین وجه ممیزه آن از سایر معماری‌ها و خصوصاً از معماری مرسوم امروز گشته است. رویکرد متنوع معماری به مقوله حیاط، این فضا را در مراتب و ارزش وجودی بسیار متغیری به ظهور رسانیده است. فقدان و یا حضور آشفته حیاط در قسمت عمده‌ای از معماری امروز، ناظر به نفی و تضعیف ارزش وجودی این فضا در محل سکونت است؛ لذا «تأمل بر مقام حقیقی حیاط» می‌تواند بهانه و دست‌آویز بسیار خوبی برای رهیافت به باطن و حقیقت معماری باشد.

تأمل در مفهوم «حیاط» برای تشخیص تمایزات بنیادین معماری سنتی و روشنگری نسبت به آن امری ضروری به نظر می‌رسد. تشخیص چرایی، الزام و چگونگی تعیین درست حیاط در معماری، دو مقصود اصلی است که با هدف کلی تعیین جایگاه حیاط در معماری، در تحقیق حاضر دنبال شده است. این تحقیق در سه حوزه کلی معنا، مفهوم و صورت حیاط، اندیشه کلی آن را در بازه وسیعی، از «نظر» تا «عمل» مورد بررسی قرار داده است و سعی در تبیین و پاسخگویی به سؤالات زیر داشته است:

- چرا حیاط در معماری سنتی واجد جایگاه، مقام و تعیین برتر است؟

- جایگاه حقیقی حیاط در معماری چیست؟

- صورت حقیقی فضای حیاط چگونه باید باشد؟

تصور عام از حیاط به عنوان فضایی بدون سقف، دو ویژگی کلی باز بودن حیاط بسوی طبیعت و خالی بودن نسبی آن از حجم ساختمان را پیش روی می‌نهد و می‌توان ماهیت اصلی این فضا و مشخصه برتر و متمایز کننده آن از سایر فضاها را از منظر این دو ویژگی کلی مورد بررسی قرار داد. باز بودن حیاط امکان حضور منظومه‌ای کامل از طبیعت را درون آن ایجاد می‌نماید و خالی بودن حیاط در تناظر بانساختن و سکوت هنرمند در میان ساخته‌ها است. با بازنگری در معنای معماری، مفهوم حیاط از بطن وجود معماری متولد می‌گردد و نطفه وجودی حیاط در کشاکش ساختن و نساختن و پیوند معماری با معماری آفرینش شکل می‌گیرد. وجوه هندسی اصلی حیاط، اندامهای کلی این فضا خواهند بود و شکل خاصی از فضای باز و فضای خالی را شایسته محل حیاط می‌داند. گذری موجز بر صور متعدد حیاط، با وجود اشارتهایی بر چرایی تنوع حیاط در صورت، در صدد توجه دادن به وجوه اصلی حیاط و ایجاد شناختی کاملتر از گوهر وجودی این مکان بوده است. و بالاخره، با حلاجی کامل حیاط در وجوه مختلف معماری، دغدغه اصلی چگونگی تحقق حیاط و جایگاه آن در مؤلفه‌های مختلف معماری، بنحوی ضمنی پاسخ داده می‌شود.

جستجویی که در این تحقیق انجام می‌شود، مفهوم حیاط را از حد یک تک فضا، به اندیشه‌ای کلی در معماری ارتقا می‌دهد و چشم‌انداز تازه‌ای از «مقام» حیاط در معماری می‌گشاید و می‌تواند معیار شناخت و تبیین ارزشها و اندیشه‌های معماری بوده و در نتیجه محور خلق و ایجاد معماری نیز باشد.

واژه‌های کلیدی: حیاط، فضای خالی، معماری آفرینش، معماری سنتی ..

.. «تا که قبول افتد و چه در نظر آید ..؟!»

## پیشگفتار:

تقریباً از همان ترمهای ابتدایی حضور در دانشکده معماری، ارتباط میان اعتقادات و اندیشه‌های دینی، و معماری برایم موضوعی اساسی و ضروری بنظر می‌رسید. پروژه انسان، طبیعت و معماری، فتح باب این جستار بود که با عنوان دین و معماری دنبال گردید.

در ترمهای بعد نیرویی پنهان مرا به شناخت معماری سنتی فراخواند. مشق کردن معماری سنتی را در همان ابتدای طراحی معماری، بعنوان راه فهم و تقرب به این معماری و واسطه نیل به بطن و معانی معماری خودی، مبنای تمرینهای طراحی قرار دادم. گویی می‌توانستم گمشده خود در معماری را از این نوع معماری سراغ بگیرم. تقریباً در تمامی پروژه‌های طراحی، این معماری را الگوی خویش قرار داده بودم. البته در غالب آنها نیز از جانب اساتید به انحصای مختلف مؤاخذه می‌شدم و توجه به زمان و مقتضیات آن مهمترین چیزی بود که بطور جدی بر آن تأکید می‌شد.

بانگ استاد طراحی معماری (۴) هنوز در ذهنم پرتوافکن است؛ او معماری و خدا را از هم ممتاز می‌نمود و به دوستم می‌گفت: «خدا چه ربطی به معماری دارد؟» و گمان من این بود که معماری خیلی هم به خدا ربط دارد و معماری سنتی علیرغم فراغت آن از مسائل زمانه ما، مصداق این ارتباط است. لیکن تا آخرین پروژه طراحی با شکل و شمایل معماری سنتی دنبال اندیشه حقیقی‌ای که در بطن آن بود و می‌توانست صورت جدید و نویی بیابد می‌گشتم.

موضوع پایان‌نامه، به نوعی آخرین فرصت جدی برای مطالعه و اندیشه در باب دغدغه‌های ریشه‌دار و اساسی در معماری می‌بود و می‌توانست خود سرآغاز راه باشد و انرژی نویی برای ادامه آن فراهم کند. موضوعات زیادی مطرح شد که همگی به همان دغدغه کلی تنه می‌زد، اما مقدمات نظری کلانی را طلب می‌نمود و چه بسا به مرحله عمل و حوزه صورت و طرح معماری نمی‌رسید. «حیات» اگرچه ظاهراً یک فضای مشخص در معماری بود اما دارای جامعیت و شمولی بود که پرداخت به آن بسیاری موضوعات دیگر معماری را نیز پوشش می‌داد و تجربه عملی طرحهای معماری بارها مرا با آن به طور جدی مواجه نموده بود. همچنین ماهیت ذاتا ساخته نشده حیات و عدم تناظر آن با شکل و صورت خاص، می‌توانست موضوعی را پیش روی نهد که فارغ از شیفتگی نسبت به معماری سنتی باشد.

شاید مسأله اصلی من حیات و حدود کلی خاص این فضا - تا آنجا که محدود به خود آنست - نبود بلکه عیار شکل‌گیری معماری و نحوه حیات‌بخشی به فضاها و ابنیه معماری - که در پس اندیشه تنگ و تاریک روشهای طراحی و آموزشهای آکادمیک گم شده بود - هدف اصلی انتخاب موضوع بود. حیات می‌توانست طناب خوبی برای رسیدن به مقصود (وجود حقیقی معماری) باشد. لذا بهانه‌ای برای دستیابی به گمشده قدیمی در معماری قرار داده شد. بنابراین، بن‌مایه و جان حیات مورد نظر تحقیق بوده است. و در نهایت، ارتباط ناگسستنی حیات با ساختمان می‌تواند اندیشه حیات را به اندیشه‌ای خاص در تعیین فضاهای بسته و کل معماری نظیر کند.



مقدمه



## مقدمه:

.. صورت و هندسه هر معماری از اندیشه پشتمنیان و موجد آن معماری نشانی می‌دهد و تعیین معماری، معانی و وجوه باطنی درون را متجلی می‌کند؛ چنانکه معماری اسلامی، نمایانگر روح اسلام و اندیشه‌های آنست و قدر و منزلت زندگی متأثر از آن، در معماری خانه‌های سنتی پدیدار گشته است. از اینرو وجوه صوری و ویژگیهای شکلی ممیزه هر معماری از معماری دیگر، می‌تواند متناظر تفاوت معانی و مفاهیم در آن دو حوزه و تداعی کننده دو عالم مختلف باشد که به تبع آن، دو نوع رویکرد به زندگی و متعاقب آن به معماری را در پی خواهد داشت. ایمان به اسلام و شناخت آن از رهگذر تأمل در معماری اسلامی واقعیتی بس شگرف است که نشان از هماهنگی و تناظر دقیق و بی‌بدیل میان بناهای اسلامی و حقایق ناب اسلام دارد...

رابطه‌ای بی‌بدیل،  
تنگاتنگ و دوطرفه  
میان ساختن،  
معماری نمودن و  
فرهنگ وجود دارد.

معماری اسلامی فضاهایی را ایجاد نموده است که هم در صورت و هم در معنا اسلامی است. فضایی که در آن، پرتو روحانی دین در ماده تجلی می‌کند و بر محیط زندگی روزمره انسان که تأثیری چنین عمیق بر گرایشهای فکری و روحی او دارد، نقش می‌نهد. روح اسلام و منش برآمده از آن در زندگی اسلامی در معماری خانه‌های سنتی پدیدار شده است.

**هنر و معماری میوه درخت فرهنگ است.** معماری اسلامی ریشه در فرهنگ جهانی اسلام دارد و البته این رابطه یکطرفه نیست و عکس آن نیز به طریق اولی صادق است. نه فقط فرهنگ و اندیشه، هنر و معماری را شکل می‌دهد بلکه این دو خود ایجاد کننده فرهنگ‌اند. تصدیق وجه تربیتی معماری و تأثیر آن بر انسانها، در یک گستره فکری وسیع و عام، در جمله حکیمانۀ چرچیل که بعد از جنگ جهانی دوم به معماران می‌گفت: «امروز شما خانه‌های مردم را می‌سازید و خانه‌های شما نسل بعدی را می‌سازند» صراحتاً بیان شده است. لذا میان معماری و فرهنگ، رابطه‌ای دوطرفه و تعاملی پویا برقرار است. لذا حقیقت معماری تجسم اندیشه و رفتارهای برآمده از یک منظومۀ فکری خاص، می‌باشد.

هنرمند شهیدی می‌گوید: «**هنر تجلی آن حقیقتی است که حیات انسان در آن کمال می‌یابد.**» لکن مفهوم «حیات» همواره یکی از جنجال برانگیزترین مباحث در میان اندیشمندان بوده است. این مفهوم در نزد انسان امروز معنایی دگرگون یافته است و به تبع آن، وجوه مختلف زندگی، تعاریفی جدید و متفاوت از گذشته را برتابیده و بعضاً بنحو بی‌سابقه‌ای از یکدیگر منتزع شده‌اند. معماری خانه که مأمّن و مأوای زندگی خانواده است، آئینه تمام‌نمای زندگیست و تطور مفهوم حیات را متجلی می‌نماید.

الگوهای معماری گذشته، بطور همزمان شیوه زندگی در تمامی ابعاد و ساحات وجود و مراتب حیات را در صور خلاق معماری خود متعین نموده‌اند. در معماری گذشته ایران الگوهای جاودان و معتبری وجود دارند که برای نیازهای حیاتی و مانای آدمی می‌توانند بهترین و صادقترین الگوی معمارانه باشند. مردم گذشته ساحت‌های مختلف زندگی خود را در خانه‌هایشان برآورده نموده‌اند و هنوز هم عده زیادی از مردم هستند که اگرچه حاضر نشده‌اند هم اینک درخانه‌های قدیمی زندگی کنند، اما با بیانی غیر علمی، کشش درونی و علاقه خود را برای داشتن یک چنین خانه‌هایی اعلام می‌دارند. و جنجال برسر معماری سنتی در محیط‌های آموزش معماری، به انحاء مختلف همچنان پابرجاست.

حیاط که همان بخش ساخته نشده در معماری است، یکی از اصلی ترین الگوها در معماری گذشته است که ساحات مختلفی از زندگی را در خود دارد.

در این میان تغییرات متنوع الگوهای معماری، از دیروز تا امروز بیانگر رویکردها و جوابهای مختلف معماری برای زندگی است. یکی از اصیل ترین و کامل ترین الگوها در معماری سنتی گذشته «حیاط» است. حیاط با ساختاری در هم تنیده و یکپارچه، یکی از اصیل ترین پاسخهای معماری به زندگی مادی و معنوی چند هزار ساله مردم بوده است. در خانه های سنتی، دلپذیرترین محل برای زندگی که واجد بیشترین امنیت و زیبایی در خانه است، حیاط خانه است. حیاط گویی مرکز عالم است و در مرکز جهان قرار دارد. در این فضای تهی، همه اضطرابهای دنیایی از میان برداشته شده و بجای آن نظامی آفریده شده که مبین توازن، صفا و آرامش است. خانه بدون حیاط بی معنی است و خانواده حیاط را برترین فضا برای سکونت برگزیده است و به تبع آن معماری نیز این فضا را کامل ترین و زیباترین فضای خود قرار داده است.

**حیاط در این معماری چونان گوهری است که تمام زیبایی، حیات و هویت بنا را متأثر از خویش نموده است.** فقدان حیاط در قسمت عمده های از معماری امروز و یا حضور آشفته این فضا که ناشی از تصور اضافه و یا باقی مانده بودن آن از زمین است و این در حالی است که الگوی حیاط مرکزی، بخش عمده ای از «سکونت» و درک آنرا درون حیاط و در نسبت با آن قرار داده و در طول سالیان متمادی، نمادی کامل از نحوه سکونت خانواده ها در حیاط و جایگاه برتر این فضا در معماری خانه یک خانواده ایرانی، پیش روی می نهد.

لیکن حیاط تحولات گسترده و عمیقی را در معماری، پشت سر گذرانده است.

حیاط که در خانه سنتی واجد بیشترین توجه معمار و محمل اصلی هندسه معماری است، چنانکه معمار با اولویت فضای خالی از ساختمان، فضاهای پر را در جهت تعریف کامل این فضاها ایجاد می نماید، در معماری امروز آماج دگرگونی بسیار در نحوه حضور در معماری واقع گردیده است و برخلاف معماری گذشته، اولویت با فضای پر کیفیت فضای خالی را کاملاً تحت الشعاع خود قرار داده است. اصالت زیستن درون فضاهای بسته و ساخته شده، تصور ما را از فضا، در قالب احجام بسته ساختمان جلوه گر نموده است و فضای حیاط، نقش خود را که شامل بسط فضای زندگی در ادامه فضای بسته و در فضایی باز به سمت آسمان است، از دست داده است. **حیاط در معماری امروز دچار تزلزل شده و در معرض بی مهری قرار گرفته است؛** درحالی که خانه های سنتی به شدت از حیاطهای خود در انحاء مختلف مراقبت نموده اند.

نامیدن باریکه ای از زمین به نام حیاط که صرفاً برای دریافت روشنایی و یا لحاظ عملکردهای محدود و درجه پایین مانند گذاردن وسایل و یا پارک ماشین، از زمین باقی مانده است، کیفیات بسیار نامطلوبی را در حیاط سبب شده است. حیاط یا به شدت تنگ و بسته است و یا ولنگار و نامحدود بدون تعریف و هندسه رها شده است. بطوریکه در همه حالات، معماری امروز حیاط را از خانه بیرون نهاده است و آنرا متعلق به درون و حرم اهل خانه تعریف ننموده است. معماری امروز در تعیین محاورات تأمل برانگیز مردم، در باب حیاط که می گویند: «حیاط به چه درد می خورد؟»، برآستی حیاطها را بدرد نخور صورت داده است. بی مهری به حیاط هم در نظر و هم در عمل متجلی شده است.



- احساس عدم نیاز به حیاط و قرارگیری آن در بیرون از خانه

اصالت ساخته‌ها و جستجوی همه جوابهای معماری در آن

رویکرد مذکور به حیاط ماهیت متفاوتی را در ساختمانها نیز سبب شده است؛ اصالت زیستن درون ساختمان، ایزوله شدن و دوری از عناصر طبیعی، فراغت از گشایش ساختمان به حیاط و پیوند با آنرا همراه داشته است. هرچند نیاز به نور و روشنایی، داشتن منظر در فضا، فراخی و انبساط در فضا، آب دادن به گلهای بزرگ کردن آنها، نگهداری از پرندگان درون فضاهای بسته جوابهای مصنوع و بالطبع محدود خود را دریافت می‌دارند. همچنین تضعیف ارزش وجودی حیاط به سبب برخی وجوه خاص و ممتاز فضا با کم‌ارزش شدن کیفیت فضاهای بسته در ارتباط با حیاط و طبیعت درون آن همراه بوده و حیاط از هر جهت فاقد ارزش شده است. و تأمین کیفیت در فضاهای بسته راه‌های دیگری - جز قدر حیاط را در معماری یافتن و ارتباطی همه‌جانبه با آن - جستجو می‌شود.

یکی از برجسته‌ترین تحفه‌های معماری امروز ما - که هر روز هم یکی از آنها با قد علم کردن در کنار بافت شهر، حریم خانه‌های تک واحدی اطراف خود را از بین می‌برد - پدیده‌ای است به نام «آپارتمان». وجه عمده آپارتمان حذف کامل حیاط از بنای معماری است و از این طریق تعداد کثیری از آنها بر روی هم سوار شده‌اند. فضاها محدود به فضای بسته و فعالیتها درون ساختمان قرار گرفته‌اند. هر واحد زیر پای همسایه است و پا نهاده بر سر همسایه‌ای دیگر. هیچ واحدی پای بر زمین و سر به آسمان ندارد و طبیعتی را به درون خود محرم ننموده است. واحدهای آپارتمانی نه به زمین متعلقند و نه به آسمان نظر دارند. لذا قطعی‌ترین تصور انسان از بودن در زمین (استقرار روی زمین، زیر آسمان) و رسالت اصیل او بر زمین (پیوند با آسمان) را کاملاً مخدوش نموده‌اند. روزنه‌های آنها برای دریافت حداقل نور، حریم و حرمت خانه را از بین برده است.

**حذف حیاط از معماری و برکناری آن از مقام برتری که معماری گذشته برای حضور آن قائل شده بود، برآمده از نگاهی دیگرگونه به زندگی و معماری است؛ درحالیکه حیاط سالیان سال نماد تام و کامل از سکونت بامعنی ایرانیان بوده است. فاصله میان قفسی که به نام خانه از روزنه یک پاسیو در حد فاصل چهار واحد با نور و هوای بیرون خود ارتباط دارد و خانه‌ای که حیاط را با شکوه تمام مرکز حیات خانه قرار داده است، فاصله‌ای از زمین تا آسمان است و ایندو متناظر دو عالم وجودی مختلف‌اند.**

در ساخته‌های معماری امروز، هنوز خلاء و گمشده‌ای موجود است.

حیاط یکی از عمده‌ترین موضوعات معماریست که تغییرات گسترده و عمیق معماری - که خود برآمده از تغییرات اندیشه بشر در حیات و زندگیست - در آن متجلی شده است. رویکرد معماری امروز به حیاط، در حالی است که معماری امروز در عین توسعه گسترده خود در دانش ساختن، هنوز نتوانسته است خواهش اصلی مردم را از معماری و خصوصاً از خانه‌هایشان برآورد. ساختمانهای

امروز اغلب پاسخ به نیازهای بیولوژیک انسان را مد نظر دارند، لذا متغیرهای معمارانه از حیات بسیار محدود و ناقص در معماری جلوه‌گر شده است. قابلیت‌های بیشمار درون فضای بسته، همچنان نتوانسته است درد فراگیر و عمومی معماری امروز را درمان کند. و گم‌شده‌ترین ما در معماری عصر حاضر - که احتمالاً به ساحت خاصی از حیات تنه می‌زند - هنوز هم با این همه پیشرفت در انحاء متنوع و متکثر ساختن، در میان ساخته‌ها مجهول و ناپیدا است.

براستی سهم ساختن تا چه اندازه از کل معماری است؟ قدر فضای بسته و ساخته شده برای شایستگی زندگی درون آن چقدر است؟ آیا آسمان سرپناهی امن نیست که از جلوه‌های بی‌نظیر آن چشم بسته‌ایم و خود را در فضاهای بسته محبوس و محروم از آن کرده‌ایم؟ و لذا چگونه باید آسمان، فضای بسته و ساختن و ساخته‌ها را تقدیر و متعین نمود؟ ... جواب سؤالات مذکور را می‌توان با تأملی بر مقام حقیقی حیاط در معماری و تشخیص بهره حیاط از معانی و مفاهیم، در حوزه‌ها و ساحت‌های مختلف معماری معین و مفروض داشت.

### اهداف و مقاصد تحقیق:

هدف اصلی این تحقیق، تعیین جایگاه حقیقی حیاط و تشخیص میزان و نحوه حیات‌بخشی آن در معماری است. رویکردهای مختلف به معماری، حضور متفاوت حیاط در معماری را رقم می‌زند و تحولات معماری از دیروز تا امروز - به نحوی - متناظر دگرگونی در جایگاه حیاط در معماری نیز هست، بطوریکه مفهوم و شکل حیاط دچار تغییرات بسیار بوده است. هدف مذکور می‌تواند با شناخت معماری سنتی و پرده برداشتن از زوایای پنهان آن - که شأنی بالا و کامل از حیاط را در خود ایجاد نموده است - مدخلی برای بازنگری در معماری امروز و تأمل در حیاط‌های آشفته و پریشان خانه‌ها و نیز خانه‌های فاقد حیاط باشد.

یکی از مقاصد عمده تحقیق، چرایی و موضوعیت وجودی حیاط در معماری است. از اینرو تلاش شده تا مراتب معنایی و مفهومی‌ای که حضور حیاط در معماری را ایجاب می‌کنند مطالعه گردیده و در گام اول، نیاز مانای آدمی و به تبع آن معماری به آن اثبات شود. در این راستا دو گوهر وجودی حیاط یعنی یکی حضور تام معماری آفرینش و منزلت و قدر حقیقی آن برای انسان و دیگری نظام مبتنی بر نساختن‌ها در معماری، با تفصیل نسبی بررسی گردیده‌اند. دیگر مقصود تحقیق ارائه وجوه و حدودی برای مکان حیاط است، تا این فضا متناسب مقام حقیقی و اصیل خود در معماری شکل گیرد. بررسی کلی مفهوم حیاط در معماری، شالوده کلی فضای حیاط را شکل داده و با ارائه یکسری از وجوه کلی معماری حیاط، مدل ساختاری آن ترسیم گردیده و حیاط مشخص و ممتاز گردیده است. همچنین تعمد مؤلف در تبیین عملی موضوع و سوق دادن مخاطب از حوزه مفاهیم به حوزه صورت و عینیت معماری، مسیر تحقیق را ناگزیر از پرداختن به مصادیق و بررسی دقیقتر حیاط در مؤلفه‌های گوناگون عرصه عملی معماری نموده است. امید است که تحلیل نهایی، جان تازه‌ای در مکان حیاط دمیده و آغازگر تغییراتی اساسی در معماری خانه باشد و از این طریق کیفیت حیات در آن خانه‌ها ارتقا یابد.

ضمناً علیرغم آنکه هدف ذیل مستقیماً مد نظر تحقیق نبوده اما بلحاظ ارتباط تنگاتنگ میان حیاط و کلیت معماری، «بررسی مفاهیم و وجوه معمارانه حیاط در ارتباط با موضوعات مختلف معماری»،

چشم‌اندازهای نوینی از حیاط و نسبت آن با کلیت معماری و نحوهٔ تکوین فضاهای معماری را گشوده است که به اندیشه‌های بنیادین و فراگیر در فرآیند خلق معماری خواهد انجامید.

### روش تحقیق:

تحقیق حاضر علیرغم پرداختن به یک موضوع واحد و مشخص که به ظاهر محدود می‌نماید، حوزه وسیعی را در مراتب مختلف پیش روی داشته است. سیر تحقیق از حوزه نظری حیاط تا حوزه عمل، صورت و شکل آن، گسترهٔ نسبتاً وسیعی از مطالب را در بر گرفته و بدین سبب، انحاء مختلفی از تقرب به موضوع را در برداشته است. بررسی موضوع از زوایای مختلف، روش تحقیق ویژه‌ای را برتابیده است. تأمل عمیق در موضوع در طول مراحل مختلف با مطالعهٔ منابع مکتوب، مشاهدهٔ مصادیق و مطالعه و تحلیل آنها همراه شده است.

اتکای اصلی تحقیق بر فهم و دریافت محقق از موضوع و سیر درونی و غوطه‌وری ذهن در آن به پشتوانهٔ دانش محدودی که از موضوع داشته است، قرار دارد. مصادیق موجود از موضوع که صورت کاملی از آن داشته‌اند، اصلی‌ترین مرجع تحقیق بوده‌اند. معماری حیاط خانه‌های سنتی یزد بیشترین الگو و مصداق مشاهده شده از موضوع بوده و همواره در کل مسیر تحقیق، الهام‌بخش و راهگشا بود. موارد مذکور اگرچه در بیشترین قسمت‌های متن تحقیق مستقیماً مورد نظر نبوده و بدنهٔ اصلی بحث را تشکیل نمی‌دادند، لیکن به جهت آنکه این مصادیق، اولین بارقه‌های موضوع را به جد در ذهن محقق ایجاد نمودند و ساختار تحقیق به نوعی با دغدغهٔ چرایی کمال آنها شروع و با الهام از هندسه حضور آنها در معماری به سرانجام رسیده، ذهن محقق دائماً به آنها معطوف بوده و در طول مسیر، غیرمستقیم و به نحوی ضمنی توسط آنها قوت و غنا یافته است.

حوزه ابتدائی تحقیق که متوجه مباحث نظری موضوع است نگاهی کلان و محیط بر کل موضوع را طلب می‌کند. تلاش بر آن بود که از منظری فراتر و عدم محاط در رویکردی خاص از معماری و اقتادن در دام شیفتگی نسبت به آن با رویکردی مستقل، کلی و فراگیر به بررسی قدر و منزلت موضوع پرداخته شود. لذا معانی برتر و ماورایی حیاط نیاز اساسی به رجوع به منابع مکتوب و مطالعه آنها را ایجاب می‌نمود. مضامین بررسی شده اگر چه صورت کامل خود را عموماً در معماری گذشته می‌یابند اما خود از مأخذی برتر در حوزه‌ای کلان که متناظر ثوابت و نیازهای حقیقی آدمی است برگرفته شده و به صورتی عام شرح داده می‌شوند.

در فصل اول و سوم علاوه بر تألیفات صاحب‌نظران دربارهٔ موضوع، بیش از همه کلام نورانی وحی مددکنندهٔ محقق در شناخت معانی کلی بوده است. رجوع به کلام معمار آفرینش، شاکلهٔ اصلی تبیین معماری آفرینش را بوجود آورده و متن به آیات قرآن مستند گردیده است. شرح مفصل قرآن کریم دربارهٔ آفرینش، متناسب با عناوین و ترتیب خاص آنها در ساختار تحقیق با تلاش بر اختصار و ایجاز ارائه شده است؛ هرچند اهمیت و عمق آن باز هم کلام را طولانی نموده است. آیات مرتبط با عناوین، جداگانه در متن قرآن جستجو شده و سپس در قالب یک متن کلی که سرتاسر الهام گرفته از معانی آیات است، حضور یافته‌اند.

فصل دوم به مقوله هنر در مفهوم عام و نیز هنر اسلامی بطور خاص مرتبط شده و ناگزیر از تغذیه توسط منابع مکتوب در این حوزه بود، هرچند تأمل در مضامین کلی و تعمق در مصادیق مختلف در این عرصه، کامل کننده مطالب بوده است.

حوزه دوم تحقیق در قسمت اول باز هم بیشتر از همه با عبارات و لغات و مضامین برآمده از قرآن کریم، بحث اصلی را مطرح کرده است و مفهوم کلی را مستند به بیان الهی نموده و اعتبار خود را از این طریق کسب نموده است. در قسمت دوم، تحلیل ذهنی از مدل و الگوی ساختاری حیات بدون ارجاع مستقیم متن به منبع مکتوب یا مصداق، مباحث را ارائه نموده است و صرفاً متکی بر درک حضوری مؤلف از حیات بوده و تا آخرین مراحل، ساختار آن کامل گردیده است.

حوزه سوم تحقیق مشخصاً به ارائه مصادیق و سپس تحلیل آنها پرداخته، در فصل آخر به روش قیاسی از تحلیل مفهومی و بررسی ضمنی مصادیق خصوصاً مصادیقی که در محیط اطراف محقق موجود بوده - ادراک از نزدیک و تأمل چند باره و عمیق درباره آنها - موضوعات دسته‌بندی شده، استخراج گردید.

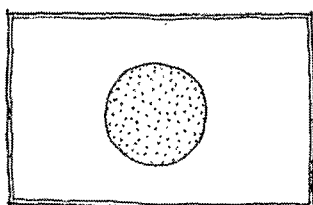
تأمل چندباره در مباحث برای پی بردن به گُنه و وجوه مختلف موضوع و عبارتی هضم کامل مطالب و درونی شدن آنها، همواره به چشم‌اندازهای تازه‌ای درباره موضوع منجر می‌گردید که یکی از ارزشمندترین روشهایی بوده که محقق در تحقیق حاضر برآستی شیرینی آن را چشیده است.

### ساختار و خلاصه تحقیق:

تأمل بر «ساحت  
معنایی» حیات

حوزه اول تحقیق - در این بخش مرتبه نظری و حوزه معانی مرتبط با حیات مورد مطالعه قرار گرفته است. در فصل ظ شالوده حیات، معماری آفرینش و معانی عمیقی که در آن نهفته است شرح داده شده و در فصل دوم فراغت حیات از کالبد معماری و معانی خالی بودن که متناظر آن است بررسی گردیده‌اند.

فصل اول با عنوان «صنع الهی و معماری آفرینش در حیات» به شرح معماری و هندسه زمین به عنوان زمینه یک بنای معماری پرداخته شده است. زمین از حد سطحی خالی به مکانی زیر آسمان که سرشار از آیات الهی است ارتقاء یافته است. نگارنده به شرح و وصف این عالم که نه تنها خالی از معماری نیست، بلکه صاحب معماری‌ای برتر و الهی می‌باشد پرداخته و حدود و اجزای آن را با استناد به کلام معمارش (خداوند) شرح داده است. کوشش نگارنده بر این بوده است که مخاطب را از جسم سرد ساختمان و فضاهای محجوب و محروم از طبیعت، خارج نموده و بیرون بکشد و در حد بضاعت و فهم اندک خود با ارجاع به توجهات معمار هستی، زیبایی‌ها، شگفتی‌ها، معانی و حقایق این معماری را پیش روی مخاطب قرار دهد.

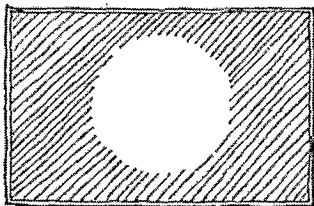


- شالوده معماری درون حیات (مقام کیهانی)

نیاز انسان در تمامی ساحات به این معماری و حظ روحانی از معارف آن و بهره‌روانی از لطافت و زیباییها جهت سرشار شدن ذوق و احساس و آسایش و پایداری تن، لزوم مواجهه با این معماری، نظر مستمر و مکرر در آن و نهایتاً سکونت در آن را اقتضا می‌کند. حیاط بعنوان مکان نظر و سکونت در معماری آفرینش که خود قطعی از آنست شناخته شده و بعنوان فضایی برگشوده به سمت آفرینش که با شالوده معماری الهی پاسخگوی نیازهای مختلف وجود انسان است معرفی می‌گردد. از اینرو حیاط مابازای رویکرد خاصی از معماری بشر به معماری آفرینش است و جایگیری صنع الهی در معماری و سکوت معماری در مقابل آن در محلی چون حیاط تبلور می‌یابد.

در فصل دوم با عنوان «حیاط، تقدیر نساخته‌ها در معماری» با نگاه فضای خالی به حیاط، سعی شده تا بر ویژگی برجسته حیاط (نبود ساختمان و مشخصاً سقف در آن) تاکید شود. حیاط بعنوان فضایی خالی و بخشی از زمینه مورد توجه قرار گرفته، انحاء مختلف فضای خالی و معانی‌ای که در رویکرد هنر سنتی بر آن مترتب است بیان گردیده و نهایتاً موضوع در حوزه معماری مورد بررسی قرار گرفته است. اما در پایان فصل در حقیقتاً خالی بودن حیاط که بعنوان مصداق فضای خالی در معماری معرفی شده، تردید نموده و در مقایسه زمینه‌ها که فضای خالی بخشی از آنست ماهیت نویی از حیاط به عنوان فضای خالی برتر در معماری آشکار گردیده است.

هنرمند چنان ساخته‌ها و بیان جسیم و مادی اثر هنری خویش را در زمینه نظام می‌دهد که فواصل میان آنها که فاقد شیء و بیان مستقیم‌اند واجد وجوه ادراکی و شخصیت‌هنری شوند. لذا نساخته‌ها را هم شکل می‌دهد تا، حدودی از زمینه که میان اجسام هنری باقیمانده نیز هندسه داشته باشد. فضای خالی در معماری نه تنها پایاپای بخشهای پر دارای شأن و هندسه است، بلکه بدلیل اثرگذاری بر پرها و موجودیت یافتن آنها از طریق فضای خالی، علو و برتری نیز خواهد یافت. چه بسا که در مقیاس خرد پر و خالی، همواره هر فضای معماری همان بخش خالی است که ادراک می‌شود و حضور انسان و زندگی‌اش را در خود دارد؛ لیکن فضای خالی معماری محلی برای بیانی هندسی و کامل از منظومه کارگاه صنع الهی خواهد شد و حیاط، نماد همنشینی معماری با طبیعت خواهد بود.



— ایجاد حیاط و هندسه پیرامون (مقام انسانی و هنری)

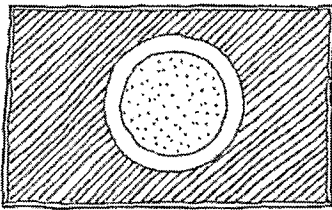
هندسه‌ای خاص کل زمین را شکل می‌دهد و پیوندی میان ساخته‌ها با زمین برقرار می‌شود. ماهیت ساخته‌ها نیز در ارتباط با فضای خالی‌ای که به جهت هندسه‌ای کامل از آن در زمین حضور یافته‌اند متفاوت و چه بسا دگرگون خواهد شد. نظامی مرکب از ساختن و نساختن در معماری آفرینش که همان زمین و زمینه معماری است در منظومه کلی معماری تجلی می‌کند.



تأمل بر «ساحت  
مفهومی» حیاط

**حوزه دوم تحقیق** - در این بخش حوزه مفهومی حیاط در معماری بررسی شده است. این بخش در فصل سوم تحت عنوان «تکوین حیاط در معماری»، مفاهیم و معانی پیوند معماری با زمین در بخش قبل را در ظرف معماری ریخته و جایگاه حیاط در معماری را بررسی می‌کند. در فصل اول و دوم هاله‌ای کلی از وجود حیاط که ضرورتاً متناظر صورت معینی از آن نیست شرح داده می‌شود. این دو فصل در عین ارتباطات غیرمستقیمی که با هم دارند، از اندیشه‌ای واحد ناشی می‌شوند و بنحوی در عرض یکدیگر قرار گرفته، سلولهای بنیادین وجود حیاطند. این فصل که از تلاقی دو حوزه معنایی حیاط (خالی بودن از اجرام معماری (انسانی) و پر بودن از معماری آفرینش (الهی)) شکل گرفته است، حقیقت کامل حیاط را تجلی داده و واسطه‌ای برای سیر از معنا به صورت معماری حیاط خواهد بود.

این فصل شامل دو قسمت کلی است: در قسمت اول مفهوم کلی حیاط در معماری بررسی شده و سعی می‌شود تا در نسبت میان ساختن و نساختن و تعامل میان معماری و زمین - که حامل معماری آفرینش است - تعریفی حقیقی از معماری ارائه گردد. در رجوع حقیقی به معماری و آشکار نمودن مقام زمین در معماری، در پیوندی مبارک میان ایندو، مفهوم حیاط متولد و سپس شکل کاملی از آن - بنا به ماهیت خاص معماری خانه - تجلی می‌یابد.



- تولد حیاط در تعامل بودن و نبودن، ساختن و نساختن (مقام معماری)

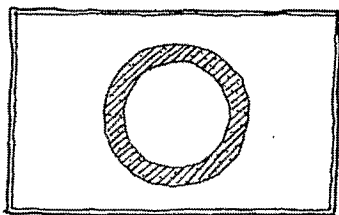
در قسمت دوم حدود و وجوه تعریف معماری حیاط بیان شده است. اینک شرح مفصل شالوده اصلی محل حیاط، تنها هاله‌ای کلی از حیاط ایجاد نموده و ذهن مخاطب، حیاط را در مرتبه فضای باز و فضای خالی تصور می‌نماید، لیکن وجه امتیاز معماری حیاط از «محوطه» معلوم نگشته است. در این قسمت مقام معماری حیاط، وجوه خود را می‌نمایاند و نحوه حمایت و احاطه ساخته‌ها و پرها (معماری انسانی) نسبت به فضای نساخته و خالی از عناصر کالبدی - که پر از عناصر طبیعی (معماری آفرینش) است - در قالب چند وجه کلی بیان شده است. وجوه مطرح شده، راز تحقق حیاط زنده که سکونت حقیقی را در خود ایجاد می‌نماید، می‌باشد.

قسمت دوم فصل سوم نطفه حیاط را که توده‌ای با هویت مشخص اما فاقد شکل است قدری معین می‌کند. معرفی وجوه اصلی حیاط که آنرا از هر نوع فضای خالی، باز و محوطه ممتاز می‌کند، مدلی کلی از تعیین حیاط ارائه داده است که از طریق آن، اندامهای اصلی این نومولود معرفی می‌گردد.

تأمل بر «ساحت  
مصادیقی» حیاط

**حوزه سوم تحقیق** - در این بخش صور و مصادیق حیاط در معماری مورد تحلیل قرار گرفته است. این بخش در فصل چهارم تحت عنوان «اطوار حیاط در معماری سنتی»، تنوع صور حیاط را در محیطهای مختلف پیش روی نهاده است و در فصل پنجم تعیین کلی حیاط در معماری سنتی را از نظر مفاهیم مختلف معماری - متناظر با مصادیق واقعی - بسط مفهومی می‌دهد.

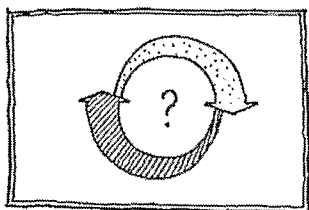
بازخوانی دوباره معماری و رسالت آن، تعریفی از آن بدست داد که مفهوم حیات از بطن آن سر برمی آورد. مفهومی که در عین اشاره به یک هویت واحد و مشخص، در انحاء بسیار گوناگونی از صورت و عینیت معمارانه می تواند ظهور یابد.



- موجودیت حیات در معماری (مقام حیات در معماری سنتی)

وجوه کلی مفروض برای مکان معماری حیات، تنها چند مصداق خاص را صورت نمی دهد بلکه نحوه تعیین و پیوند آن با ساختمان در محیطهای گوناگون متناظر طبع زمین، اقلیم و جغرافیای حاکم، مقیاس و ابعاد زمین، در شکلها و فرمهای متفاوتی ظاهر شده است. صور مختلف اگرچه هماهنگ با شرایط محیطی خویش اند لیکن ویژگیها و کیفیات متفاوتی از حیات را همراه دارند. معانی مذکور از حیات، در الگوی حیات مرکزی کاملترین و زیباترین نمود را دارند، گرچه این الگو با ویژگیهای مختلف در کیفیت، شکل، ابعاد و.. خود را با محیطهای مختلفی هماهنگ نموده است. حیات مرکزی نمود بیشترین توجه به طبیعت و کاملترین هندسه از فضای خالی است و به نسبت سایر مصداق، بیشترین حضور را در تعیین کلی معماری دارد، بنحویکه حیات مرکزی نسبتی تنگاتنگ با دیگر فضاها و هندسه معماری آنها دارد. مباحث مذکور در فصل چهارم با عنوان «طوار حیات در معماری خانه سنتی» مورد بررسی قرار گرفته اند.

مبانی شرح داده شده، معانی ایده آلی را مورد نظر داشته و جامعه ای آرمانی را مخاطب خویش قرار می دهد. لذا رسیدن به صورت و نحوه عمل در چنین فضایی، با رجوع به آن مبانی نظری محقق خواهد شد. حلای الگوهای کامل حیات (حیات مرکزی) از جوانب مختلف و مسائل مختلف مبتلا به آن، راه را برای تعیین دقیق تر مفهوم حیات هموار خواهد نمود. بررسی جزء به جزء حیات در مقیاس خرد و در مرتبه مصداق معماری می تواند زمینه ای برای رسیدن به دیگر صور حیات فراهم نماید. مؤلف بعنوان کسی که مسیر مفهومی حیات را در حد بضاعت خود بنحو ضمنی و تدریجی طی نموده است سعی دارد حوزه نظر را در فصل پنجم به چگونگی تحقق عملی مسیر نزدیک گرداند. در این فصل با عنوان «نظام تعیین و شکل گیری حیات» از منظر مفاهیم مختلف معماری که به مصداق حیات در معماری سنتی مربوط بوده است با حیات مواجهه گردیده و سهم حیات از جوانب مختلف تأثیر در تکوین مؤلفه های مختلف معماری مورد بررسی قرار گرفته است.



- چگونگی تحقق عملی حیات (مقام طراحی)

اکنون حیات تجلی صرف مفاهیم ذکر شده در حوزه طبیعت و فضای خالی نیست بلکه برآمده از یک اندیشه و روش متفاوت در خلق معماری است و حیات در معماری سنتی اگرچه تجلی کاملی از اندیشه عمیق این معماری نسبت به همه مفاهیم مذکور است لیکن این اندیشه به کل معماری تسری می‌یابد. بدین ترتیب موخره رساله را می‌توان تماشاگاه چنین نگاه تازه‌ای در معماری دانست.



فصل ۱ - صنع الهی و معماری آفرینش در حیاط

